

گزیده  
قابوس نامہ

انتخاب و شرح  
دکتر نرگس روان پور

# فهرست

۱	یادداشت «مجموعه»
۵	عنصرالمعالی و قابوس نامه او
۱۱	دیدگاهها
۱۹	گزیده قابوس نامه (متن)
۲۱	۱. دیباچه
۲۶	۲. فزونی گهر از فزونی خرد و هنر
۳۳	۳. سخن دانی و سخن گویی
۳۹	۴. پندهایِ نوشین روان
۴۳	۵. پیری و جوانی
۴۸	۶. آداب مهمانی
۵۱	۷. آیینِ دبیری و شرط نامه‌نویسی
۶۰	۸. آیین و رسمِ شاعری
۶۳	۹. آیین و شرطِ پادشاهی
۶۹	۱۰. آیین و شرط وزارت
۷۴	۱۱. آیینِ جوانمردپیشگی
۷۸	۱۲. آیینِ دوست‌یابی
۸۰	۱۳. اندیشه‌کردن از دشمن
۸۵	۱۴. عشق‌ورزیدن
۸۸	۱۵. جمع‌کردن مال
۹۱	۱۶. حقّ فرزند و حق‌شناسی
۹۸	۱۷. کارزار کردن
۱۰۳	۱۸. آداب خوردن و خویشتن‌داری

## نشانه‌ها و اختصارها

- ج: جلد (در کتابشناسی)؛  
 ج: جمع (در واژه)؛  
 ج: جمع (در واژه)؛  
 ج: جلوس؛  
 ح: حاشیه؛  
 د: دایرةالمعارف: دایرةالمعارف فارسی. نک. کتابنامه؛  
 د: دایرةالمعارف فارسی؛  
 دا: اس: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. نک کتابنامه؛  
 ص: صفحه؛  
 ص: صلی الله علیه... (پس از نام پیامبر اسلام)؛  
 صص: صفحات؛  
 صط: اصطلاحات دیوانی. نک کتابنامه؛  
 فع: فرهنگ اصطلاحات عرفانی. نک کتابنامه؛  
 فم: فرهنگ فارسی دکتر معین. نک. کتابنامه؛  
 کلیات: کلیات سعدی. نک کتابنامه؛  
 لغت‌نامه: لغت‌نامه دهخدا. نک. کتابنامه؛  
 مقت: مقتول؛

- ۱۰۵ ..... ۱۹. آیین همسریابی  
 ۱۰۷ ..... ۲۰. آیین و شرط سیه‌سلازی  
 ۱۱۱ ..... پیوست: چند متن بدون شرح  
 ۱۱۳ ..... ۲۱. طاعت و توانش  
 ۱۱۵ ..... ۲۲. دانش‌جویی و فقهی و قضا  
 ۱۲۱ ..... ۲۳. خریدن خانه و ملک  
 ۱۲۳ ..... ۲۴. خریدن اسب  
 ۱۲۵ ..... ۲۵. مجازات و بخشودن  
 ۱۲۷ ..... ۲۶. آیین دهقانی  
 ۱۲۹ ..... ۲۷. خفتن و آسودن  
 ۱۳۱ ..... ۲۸. در بازرگانی کردن  
 ۱۴۱ ..... واژه‌نامه  
 ۱۵۵ ..... نام‌نامه  
 ۱۵۷ ..... واژه‌نامه و نام‌نامه (متن بدون شرح)  
 ۱۶۵ ..... کتابنامه

نک: نگاه کنید به. هر جا این نشانه اختصاری آمده، بدان معناست که در مورد ارجاع یا مأخذ توضیح بیشتری هست؛

یو.گ: یوسفی، گزیده قابوس نامه. نک کتابنامه؛

یو.م: یوسفی، متن قابوس نامه. نک کتابنامه؛

\* (ستاره): نشانه شرح معنی عبارت است و گاه برای توضیح عنوان فصل آمده است؛

|| نشانه جداگر، که شرح واژه‌ها و جمله‌ها را از یک‌دیگر جدا می‌کند؛

[ ] نشانه واژه یا جمله‌ی افزوده شده در متن بر پایه نسخه بدل، و در شرح از سوی شارح؛

( ) نشانه توضیح بیشتر دستوری یا ترجمه یا بیان مأخذ.

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

## یادداشت «مجموعه»

ادبیات در هر شکل و قالبی که باشد، نمایشگر زندگی و بیان‌کننده ارزش‌ها و معیارها و ویژگی‌هایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آنها می‌چرخد. نقد و بررسی و ارزیابی آثار ادبی نیز چنین است و نمی‌تواند بدون آن ارزش‌ها و معیارها باشد و بی‌توجه از کنار آنها بگذرد. به عبارت دیگر نقد و بررسی آثار ادبی را از دیدگاهی می‌توان درس زندگی نامید با همه گستردگی و تنوع و خصوصیات و مظاهر آن.

ادبیات از دو گذرگاه ما را با زندگی پیوند می‌دهد: از گذرگاه عاطفی، وقتی که آن را می‌خوانیم؛ از گذرگاه خردورزی، وقتی که آن را بررسی و نقد می‌کنیم. وقتی ما قطعه شعری را می‌خوانیم، عواطف و احساسات ما با عواطف و احساسات شاعر جنبه‌های مشترک پیدا می‌کند و با او هم‌سوئی روانی پیدا می‌کنیم، و یا وقتی سرگذشتی را در مطالعه می‌آوریم، به قول «آندره موروا» در کشاکش حادثه بزرگی قرار می‌گیریم و لحظات زندگی‌مان با آن حادثه آمیختگی پیدا می‌کند؛ در این موارد نفس و جان ما نمی‌تواند از اثرپذیری برکنار ماند. از جهت خردورزی نیز اگر به درستی به تحلیل و نقد آثار ادبی بنشینیم و جنبه‌های مثبت و منفی آنها را دریابیم زندگی را مطرح ساخته‌ایم. چه، آثار ادبی نیست مگر انعکاس زندگی و برخورد نویسنده یا شاعر با معیارها و ارزشها. پس طبعاً بررسی معیارها، بی‌امعان‌نظر و ورود در صحت و سقم آنها، راهی به کمال نخواهد داشت.

مطالعه و بررسی آثار باید با بررسی توأم جنبه‌های زبانی، هنری و محتوایی انجام گیرد. به این معنی که پس از حل دشواری‌های واژه‌ای و تعبیرها و اصطلاحات متن، و اشاراتی که به تاریخ و قصص و اساطیر ممکن است وجود داشته باشد، باید به بررسی ارزش هنری و سپس به تجزیه و تحلیل محتوای آثار پردازیم: اندیشه‌های والا و ارزشمند را باز نماییم و پندارهای سخیف و کج‌اندیشی‌های نابخردانه را نقد کنیم. عبارات و ابیات و تعبیرهای زیبا و استوار را با دلیل و حجت نشان دهیم و ابیات و جملات و عبارات نازیبا و ناستوار را باز نماییم، و اگر اثر شکل داستانی دارد، آن را از جهت شناخت داستان بررسی کنیم. مثلاً در داستان رستم و سهراب اگر فقط واژه‌های دشوار را معنی کنیم و چند ویژگی زبان را که در سخن فردوسی هست بازگوییم که مثلاً برای یک متمم دو

حرف اضافه آورده است، یا «کجا» را در معنی «که» به کار برده، داستان را به عنوان یک پدیدهٔ لسانی مطرح کرده‌ایم. برای آنکه داستان به عنوان یک اثر ادبی مطرح شود، پس از طرح و توضیح نکته‌های زبانی و ارزش‌های هنری یا ارزش‌های مربوط به فنون بلاغی، در مرحلهٔ سوم باید محتوای داستان را از جهت داستان‌شناسی، و در این مورد بخصوص از جهت تراژدی‌شناسی، گره‌خوردگی، اوج و فرود داستان، جنبه‌های روان‌شناختی قهرمانان و سرانجام ظریفی که داستان را به عنوان تراژدی برتر معرفی می‌کند، مطرح سازیم.

این گزیده و گزیده‌هایی که «مجموعهٔ ادب فارسی» را تشکیل می‌دهند، با عنایت به چنین هدف‌هایی تهیه شده است. برای آنکه اندیشهٔ خوانندگان را برای وصول به هدف‌های مذکور برانگیزیم در مقدمهٔ هر اثر، پس از شرح حالی اجمالی از صاحب اثر، به نقل یادداشت‌هایی از ناقدان و نویسندگان دربارهٔ مقام شاعری یا نویسندگی صاحب اثر و ارزش اثر و یادداشت‌هایی در نقد و محتواکاوای آن پرداخته‌ایم.

از آنجا که یکی از هدف‌های تهیهٔ این گزیده‌ها یاری به بهبود تدریس ادبیات در دانشگاه‌هاست، یادآوری این نکته برای دانشجویان شاید خالی از فایده نباشد که آنچه در ادبیات گذشته و سنتی ما به خصوص باید مورد توجه باشد، این است که این آثار، ادبیات جوانی نیست که از زندگی هم‌سان با زندگی ما مایه گرفته باشد. بیش از هزار سال از عمر ادبیات سنتی ما می‌گذرد. این آثار از زندگی مردمی مایه گرفته که قرن‌هاست در غبار زمان محو شده‌اند، معیارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ما با آنان قطعاً نمی‌تواند یک‌سان باشد. از این رو باید انتظار داشته باشیم که در این آثار به مواردی برخورد کنیم که با معیارها و ارزش‌های زندگی مردم امروز مغایرت داشته باشد. نقد و بررسی این موارد و توضیح اختلاف معیارها و بیان علل کج‌اندیشی‌ها و افکار خرافه‌آمیز، که ممکن است در برخی از متن‌ها وجود داشته باشد، می‌تواند از موضوعات مطروحهٔ کلاس ادبیات باشد.

باید توجه داشت که اگر کج‌اندیشی و افکار خرافه‌آمیز به شاعران و نویسندگان قدیم نسبت می‌دهیم، به این معنی نیست که متون سنتی را تخطئه می‌کنیم، بلکه این امر نتیجهٔ اختلاف نوع زندگی و مناسبات اجتماعی است. آثار بزرگ ادبی همچون آینه‌ای است که زندگی اجتماعی زمان خود را با همهٔ پیچیدگی و گستردگی و ابهام در خود منعکس ساخته است، و از آنجا که در چنان زندگی با ویژگی‌های خود، ضعف و قوت، همواری و ناهمواری، و زشت و زیبا وجود داشته، به‌ناچار در چنین آینه‌ای نیز نمودار شده است: ما سعدی را شاعر و هنرمند بزرگی می‌دانیم، و این نه بدان سبب است که همهٔ اندیشه‌های او عین صواب است، و یا نه بدان سبب است که به تعبیر امروز شاعر و نویسنده‌ای متعهد بوده، بلکه از آن روست که سعدی اجتماع زمان خود را با همهٔ زشتی‌ها و کاستی‌ها در آثار خود منعکس کرده است. آثار سعدی باید با شناخت این زشتی‌ها و کاستی‌ها و مناسبات و روابط اجتماعی زمان وی ارزیابی و تحلیل شود. همچنین اگر در آثار دوره‌ای خاص صفاتی چون بدبینی، عدم اعتماد به دیگران، بی‌اعتنایی به مصالح اجتماعی، میل نداشتن به شرکت

در فعالیت‌های همگانی، انزواجویی، و نظایر آنها وجود دارد، ریشهٔ آنها را باید در عوامل اجتماعی و سیاسی آن دوره و یا دوره‌های ماقبل نزدیک بدان بررسی کنیم و رابطهٔ علّی و قایع تاریخی و ویژگی‌های آثار ادبی را کشف نماییم و اندک‌اندک عادت کنیم تا «تاریخ» را با آثار ادبی مرتبط سازیم. در میان بسیاری از آثار ادبی قدیم، حتی در شاهکارها، چه در ادبیات فارسی و چه در ادبیات زبان‌های دیگر، اعتقاد به قضا و قدر، استدلال تمثیلی، خرافه‌های دور از عقل و منطق، تجلیل از زورمندان و ستمگران و نادیده انگاشتن توده‌های محروم و اندیشه‌های نابخردانه به چشم می‌خورد. این آثار باید به درستی مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی قرار گیرد. نه تنها اندیشه‌های نابخردانه و پندارهای واهی نموده شود، بلکه علل به وجود آمدن آنها از دید جامعه‌شناسی نیز مطرح گردد.

همچنین در تحلیل نمونه‌های والا و ارزشمند ادبی که از ارزش‌های جهانی و جاودانی برخوردارند - و خوشبختانه در میان آثار ادبی ما، از این نوع کم نیست - باید خصیصه‌ها و ظرایف و لطایف و شیوهٔ بیان و ارزش هنری اثر را باز نماییم و پیام و اندیشهٔ نهفته را در آنها کشف کنیم، سمبل‌ها را بشکافیم، و به هر حال در نظر داشته باشیم که همواره توضیحات واژه‌ای و بیان مفردات و ترکیبات و نکته‌های دستوری و کشف تصویرها و هر آنچه به معانی و بیان و بدیع مربوط می‌شود، وسیله‌ای است برای فهم متن و رسیدن به آنچه در ورای الفاظ قرار دارد و دریافت روح و عمق متن، و فراموش نکنیم که هدف غایی ادبیات تعالی انسان و وصول به ادب نفس است. آثاری که پیام آنها در جهت پروردن انسان متعالی خوانندهٔ «حق» و جویندهٔ «حقیقت» نباشد، سزاوار صفت «والا» و «پراج» نمی‌توانند باشند.

\*\*\*

کتاب حاضر در مجموعه‌ای چاپ می‌شود که اندیشهٔ تدوین آن از سال‌ها پیش در جمع گروهی از استادان دانشگاه‌ها و ادب‌شناسان مطرح، و طرح آغازین آن در سال ۱۳۵۶ شمسی تهیه شده بود. هدف از تدوین این مجموعه علاوه بر آنچه گفته شد، این است که بهترین بخش‌های هر اثر ادبی را در کتاب‌های نسبتاً کم حجمی، همراه با شرح و تحلیل، در دسترس دانشجویان و دیگر طالبان آن آثار قرار دهد، و شرح طوری تهیه شود که خوانندگان فارسی‌زبان را که در حدود تحصیلات دبیرستانی دانش و بینش دارند، در فهم آثار از معلّم و استاد بی‌نیاز سازد. با امعان نظر به این نکته است که در گزیدهٔ حاضر نه تنها معنی واژه‌ها و اصطلاحات و تعبیرهای دشوار و مهجور را جابه‌جا نوشته‌ایم، بلکه عبارات دشوار را نیز معنی کرده و نکته‌های دستوری را هم، تا آنجا که به فهم مطلب یاری می‌رساند، توضیح داده‌ایم. البته این بدان معنا نیست که همهٔ دشواری‌ها را حل کرده و تمام گره‌ها را گشوده‌ایم؛ نه، در جاهایی که بر حقیقت امر و قوف نیافته‌ایم، حدس خود را با تردید آورده، با طرح معضل، زمینهٔ جستجوهای تازه را برای دانشجویان و پژوهندگان آماده کرده‌ایم، تا شاید با دستیابی